

پیش‌بینی تاب‌آوری خانواده بر اساس بخشایش و معنویت در معلمان متأهل

Prediction of Family Resiliency based on Forgiveness and Spirituality among Married Teachers

Saeed Salehi

kianoosh Hashemian

Malek mirhashemi

سعید صالحی *

کیانوش هاشمیان **

مالک میر هاشمی ***

Abstract

One of the prominent fields in the health domain is the empowering and stabilizing families against difficulties. The purpose of the present study was to prediction the family resiliency based on family forgiveness and spirituality. The research method is descriptive and correlational. Statistical population consisted of all married teachers in Selseh city in academic year of 2015-2016. The sample included 212 individuals (72 female and 140 male) who selected by stratified random sampling method. The measurement tools consisted of Family Hardiness Index (FHI), Family Forgiveness Scale (FFS) and the Spiritual Attitudes and Ability Questionnaire (SAAQ). The research findings showed that there was a significant correlation among forgiveness and spirituality variables with family resiliency. Moreover, there was a significant and positive correlation between forgiveness and family resiliency. The findings indicated that the forgiveness and the spirituality could have a role in promoting family resiliency.

چکیده

یکی از زمینه‌های برجسته در گستره سلامت، استوار ساختن و توانمندسازی خانواده‌ها در برابر دشواری‌ها است. هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی تاب‌آوری خانواده بر اساس بخشایش و معنویت بود. روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری دربرگیرنده همه آموزگاران متأهل در شهرستان سلسله در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ بود. نمونه دربرگیرنده ۲۱۲ نفر (۷۲ زن و ۱۴۰ مرد) بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای گزینش شدند. ابزار اندازه‌گیری دربرگیرنده سیاهه تاب‌آوری خانواده، سنجش بخشایش خانواده و پرسشنامه نگرش و توانایی معنوی بودند. یافته‌های برآمده از پژوهش نشان داد میان متغیرهای بخشایش و معنویت با متغیر تاب‌آوری خانواده همبستگی معنی‌دار وجود دارد. افزون بر این میان بخشایش و تاب‌آوری خانواده همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود داشت. یافته‌ها نشان داد که بخشایش و معنویت می‌توانند در بالا بردن تاب‌آوری خانواده نقش داشته باشند.

Keywords: *forgiveness, family resiliency, spirituality*

واژگان کلیدی: *بخشایش، تاب‌آوری خانواده، معنویت*

*. کارشناسی ارشد گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

** .دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

(نویسنده مسئول) Drhashemian@yahoo.com

*** . دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

✓ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی است

مقدمه

خانواده همچون نخستین و باارزش‌ترین نهاد اجتماعی در شکل‌گیری شخصیت، هویت، اخلاق و عملکرد انسان نقشی بنیادی ایفا می‌کند، بنابراین امروزه یکی از اهداف بنیادی در همه جوامع نیرومند ساختن و استوار کردن بنیاد خانواده‌ها است. با این وجود در چند دهه گذشته دگرگونی‌های پرشتاب و همه‌جانبه جوامع صنعتی، زندگی خانواده‌ها را با چالش‌های فراوانی روبرو کرده است، در این شرایط نیاز است خانواده‌ها توانایی و راهکارهای درخور برای سازگاری با این دگرگونی‌ها را داشته باشند. از طرفی در سال‌های اخیر رویکردی تحت عنوان روان‌شناسی مثبت با هدف بالا بردن سلامت و کیفیت زندگی از راه کشف استعدادها و عوامل توانمندکننده انسان در هنگام رویارویی با شرایط تنش‌زا، مورد استقبال روان‌شناسان قرار گرفته است. یکی از برجسته‌ترین سازه‌های روان‌شناسی مثبت که در رابطه با این توانایی مطرح شده و جایگاه ویژه‌ای در بهزیستی فرد و خانواده به خود اختصاص داده، تاب‌آوری است. تاب‌آوری، ویژگی‌های شخصی است که فرد را به پیشرفت در هنگام رویارویی با سختی‌ها توانا می‌سازد و توانایی رویارویی پیروزمندانه با شرایط تنش‌زا است (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳). تاب‌آوری، همانند با رشد پس از آسیب (هوپر، ۲۰۰۷)، سازگاری موفقیت‌آمیز با پیشامدهای ناگوار (ریچاردسون، ۲۰۰۲) و دگرگونی‌های مثبت زندگی به دنبال یک تجربه تنش‌زا را توصیف می‌کند (کاردوا و همکاران، ۲۰۰۱). از طرفی به علت وجود همکنش مشترک میان فرد و خانواده، به تدریج تاب‌آوری فردی زمینه‌ساز پیدایش و گسترش تاب‌آوری در بافت خانواده شد. بررسی‌های علمی در زمینه تاب‌آوری و نیرومندی خانواده در آغاز ۱۹۷۰ شروع شده است (لوتار، سیچتی و بکر، ۲۰۰۰). تاب‌آوری خانواده، به معنای رویارویی موفقیت‌آمیز اعضای خانواده در برابر شرایط سخت است که آن‌ها را به حمایت، صمیمیت و همبستگی توانا می‌سازد (بلاک و لوبو، ۲۰۰۸). تاب‌آوری خانواده، دربرگیرنده ابعاد و ویژگی‌های خانواده است که به آن‌ها کمک می‌کند تا از آسیب‌دیدگی در برابر تغییرات مقاومت کرده و در موقعیت‌های بحرانی سازگاری داشته باشند (مک کوبین و مک کوبین، ۱۹۸۸). نظام‌های باور خانواده (معنا دهی به سختی، چشم‌انداز مثبت، تعالی و معنویت)، الگوهای سازمانی (انعطاف‌پذیری،

پیوند، منابع اقتصادی و اجتماعی) و فرآیندهای ارتباطی و حل مسئله (شفافیت، حل مسئله گروهی، ابراز آشکار احساسات) فرآیندهای کلیدی در تاب‌آوری خانواده هستند (والش، ۲۰۰۳). بخشش، یکی دیگر از نشانه‌های توانمندی و سازگاری مثبت در روابط فرد و خانواده است که همواره مورد توجه علمای دینی، فیلسوفان و به‌تازگی روانشناسان در گستره سلامت قرار گرفته است و پژوهش‌های بالینی روبه‌رشدی را به خود معطوف و دستاوردهای سودمندی را حاصل کرده است. در بخشش، فرد آسیب‌دیده خشم و میل به انتقام را از میان می‌برد و نگرش مثبت و پسندیده‌تری را در برابر فرد آسیب‌دهنده به وجود می‌آورد (مک کالوف، فینچام و تی سانگ، ۲۰۰۳). بخشایش، یعنی گرایش به دست کشیدن از حق خود برای تنفر و قضاوت منفی، رفتار بی‌تفاوت در برابر شخصی که به‌ناحق مایه رنجش ما شده است و شکوفا کردن هم‌زمان خصلت‌هایی چون شفقت، سخاوت و حتی عشق در برابر آن شخص (هارتز^۱، ۲۰۰۵، ترجمه کامکار و جعفری، ۱۳۸۷، ص ۸۳).

پژوهشگران دریافته‌اند، بخشش می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد رویارویی هیجان‌محور برای رویارویی با عوامل تنش‌زا و مدیریت هیجان مایه کاهش فشارهای روانی (توسینت و همکاران، ۲۰۱۴)، احساس مهار بیشتر و کاهش پاسخ‌های تنیدگی فیزیولوژیکی (ویتولایت، لودویچ و وندرلان، ۲۰۰۱)، از فاکتورهای مهم در تعدیل و تنظیم ناتوانی (ویلمرینگ^۲، ۱۹۹۹، به نقل استانتز، ۲۰۱۵) و الگویی با راهبردهای بهتر برای سازگاری بیشتر با آسیب‌ها است (لاسکین^۳، ۲۰۰۷، به نقل از تمرچی و یادگاری، ۱۳۹۴). معنویت نیز یکی از منابع نیرومند درونی افراد برای افزایش مقاومت در برابر ناملازمات زندگی است. معنویت، ارتباط با وجود والا، باور به غیب، باور به رشد و بالندگی انسان در راستای گذشتن از پیچ‌وخم‌های زندگی و تنظیم زندگی شخصی بر پایه ارتباط با وجود والا و درک حضور همیشگی وجود والا در هستی معنی‌دار (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶) و تمرکز بر یک باور یا رابطه با یک نیروی والا است که به همه دشواری‌های

¹.Hartez

².Willmering

³.Luskin

زندگی معنا می‌بخشد (بیکر، ۲۰۰۳) و دربرگیرنده باورها و اعمال شخصی که متأثر از ارتباط با خدا است، تأثیری ژرف بر شیوه اندیشیدن درباره دشواری‌ها دارد و رویارویی و سازگاری با سختی‌ها را بهبود می‌بخشد (ماسون، سینگلتون و وبر، ۲۰۰۷). معنویت، ما را به دیگران، طبیعت و خاستگاه زندگی متصل می‌کند، شالوده یافتن معنی در زندگی، عاملی مهم در تقویت کردن سلامتی و شفابخشید (کری^۱، ۲۰۱۳، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۳، ص ۶۴۸)، مایه مهارت‌های رویارویی، تندرستی و کیفیت زندگی بهتر (مولر، پلواک و رومنز، ۲۰۰۱) و نقش برجسته‌ای در جبران اثرات عوامل تنش‌زا در زندگی دارد (کراس، ۱۹۹۸).

پژوهش‌ها نشان دادند: معنویت، عاملی کارآمد در سازگاری و تاب‌آوری خانواده در هنگام رویارویی با سختی‌ها است (گریف و تیل، ۲۰۱۲، هاملین گلور، ۲۰۰۹، گریف و تویت، ۲۰۰۹، بلاک و لوبو، ۲۰۰۸، گریف و لوبسر، ۲۰۰۸، گریف و ژوبرت، ۲۰۰۷). میان بخشایش و تاب‌آوری (فارلی^۲، ۲۰۱۱، به نقل از استانتز، ۲۰۱۵)، بخشش و رشد پس از سانحه با واسطه‌گری دین و معنویت (شولتز، تالمن و التمایر، ۲۰۱۰)، اندازه بخشایش با ایمان دینی زوجین (باتسون و شالب، ۲۰۰۶) و میان بخشایش‌گری و معنویت با سازگاری روانی و کیفیت بهتر زندگی رابطه مثبت وجود دارد (رومرو و همکاران، ۲۰۰۶). بخشایش رابطه منفی با خشم، ستیز، اختلالات عصبی، ترس، افکار کینه‌ای و رابطه مثبت با سازگاری و همدلی (بری و همکاران، ۲۰۰۵)، حل تعارضات زوجین (فینچام، بیچ و داویلا، ۲۰۰۴)، راهکار رویارویی هیجان محور در کاهش واکنش تنش‌زا به رنجیدگی (ورتینگتن و شرر، ۲۰۰۴)، حل دشواری‌های خانوادگی و زناشویی (دی بلاسیو، ۲۰۰۰)، شکستن الگوهای ناکارآمد خانواده (دی بلاسیو، ۱۹۹۸) و بهبود روابط، ابراز شایسته خشم، همدلی و بهبود یافتن زخم‌های احساسی کمک می‌کند (دی بلاسیو و پرکتور، ۱۹۹۳). تمرچی و همکاران (۱۳۹۴) میان دل‌بستگی به خدا و بخشایش با شیوه‌های رویارویی مسئله مدار در برابر تنیدگی همبستگی مثبت و معنی‌داری است. پور رحیمی مرئی و انتظاری (۱۳۹۴) آموزش گروهی تاب‌آوری مایه افزایش بخشایش، تاب‌آوری و سازگاری در زنان جدا شده می‌شود. کمری و

¹. Corey

². Farley

همکارانش (۱۳۹۳) بخشایش و معنویت در بالا رفتن کارایی خانواده نقش دارند. روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشودگی مایه افزایش بخشودگی، رضایت زناشویی، درک عواطف و همبستگی زوجین، پردازش شناختی و بهبود روابط می‌شود (غفوری و همکاران، ۱۳۹۲). معنویت در افزایش تاب‌آوری افراد (هاشمی و جوکار، ۱۳۹۰)، با واسطه کیفیت ارتباط خانواده، پیش‌بینی‌کننده تاب‌آوری خانواده (صیدی و همکاران، ۱۳۹۰) و با رویارویی مسئله مدار با تنیدگی رابطه دارد (فاطمی و همکاران، ۱۳۹۳). بخشایش درمانی در اصلاح افکار، احساسات، رفتار فرد رنجیده و بهبود روابط کارآمد است و افراد مذهبی‌تر، بخشایش و کارایی بیشتری دارند (خدا یاری فرد و همکاران، ۱۳۸۱).

بازنگری پهنه نظری و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد، یکی از اهداف بنیادی پژوهشگران در گستره سلامت، کشف عوامل توانمندکننده و محافظت‌کننده افراد و خانواده‌ها در برابر چالش‌ها است؛ بنابراین در این پژوهش بررسی نقش بخشایش و معنویت به‌عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده و تقویت‌کننده تاب‌آوری خانواده ارجح پیدا می‌کند تا با آموزش مهارت‌های بخشایش و معنویت، تراز تاب‌آوری و سازگاری خانواده‌ها در رویارویی با شرایط تنش‌زا افزایش یابد و با انتقال این ویژگی به فرزندان خود، جامعه‌ای سالم و شاداب داشته باشیم. از آنجا که ویژگی‌های شخصیتی آموزگاران نقشی کارآمد در پیشرفت و سلامت افراد و خانواده‌ها دارند، آموزگاران به‌عنوان جامعه آماری گزینش شدند؛ بنابراین، هدف اصلی پژوهشگران از انجام این پژوهش این است که آیا تاب‌آوری خانواده بر اساس بخشایش و معنویت در آموزگاران متأهل زن و مرد قابل پیش‌بینی است؟

روش

این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، دربرگیرنده همه آموزگاران متأهل زن و مرد شاغل در آموزش و پرورش شهرستان سلسله در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ بود. برای برگزیدن اندازه نمونه از فرمول تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۷) استفاده شد و شمار ۲۱۲ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب انتخاب شدند. بدین منظور نخست آموزگاران متأهل در دو طبقه زن و مرد قرار گرفتند و به همان سهم و نسبتی که هر طبقه در کل جامعه آماری وجود

داشت، شمار افراد نمونه در آن طبقه نیز مشخص گردید و سپس با به‌کارگیری روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به انتخاب نمونه‌ها در هر طبقه پرداخته شد. از آنجاکه در جامعه آماری شمار آموزگاران مرد دو برابر شمار آموزگاران زن بود، بنابراین شمار ۱۴۰ پرسشنامه در میان آموزگاران مرد و ۷۲ پرسشنامه در میان آموزگاران زن پخش گردید. هم‌زمان با روال تکمیل پرسشنامه‌ها به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که برآمدهای پرسشنامه محرمانه و در صورت تمایل، برآمدهای ارزیابی در اختیارشان قرار خواهد گرفت.

ابزارها

پرسشنامه تاب‌آوری خانواده (*FHI*). سیاهه تاب‌آوری خانواده در سال ۱۹۸۶ به دست مک کوبین و همکاران به‌منظور ارزیابی تراز تاب‌آوری خانواده‌ها در رویارویی با تنیدگی ساخته شد. این آزمون دربرگیرنده ۲۰ پرسش ۴ گزینه‌ای از نوع لیکرت است و به‌منظور سنجش ویژگی تاب‌آوری به‌عنوان منبع رویارویی با تنیدگی و سازگاری در خانواده آماده شد. سیاهه تاب‌آوری خانواده دارای مؤلفه‌های: هم‌جهتی تعهد، اعتماد، چالش و مهارت است، با این‌وجود نمره کل بهترین شاخص برای تاب‌آوری است. در برخی از سؤالات نمره‌گذاری به‌صورت معکوس انجام می‌شود. مک کوبین و همکاران به‌منظور هنجاریابی شاخص تاب‌آوری خانواده نخست آن را بر روی ۳۰۴ خانواده اجرا کردند، میانگین نمونه ۴۷/۴ و انحراف استاندارد ۶/۷ و ضریب آلفای آن ۰/۸۲ گزارش شد. همچنین در پژوهشی که به دست سحر خندان‌دل و همکاران در جامعه ایران صورت گرفت، میزان آلفای کرون باخ پرسشنامه تاب‌آوری خانواده ۰/۸۶ گزارش شد (خندان‌دل و کاویان فر، ۱۳۹۴).

سنجه بخشش در خانواده (*FFS*). این پرسشنامه در سال ۱۹۸۸ به دست پولارد و همکارانش برای یافتن میزان بخشایش در خانواده‌ها و ابعاد بخشایش ساخته شد و به‌وسیله سیف و بهاری (۱۳۸۰) در خانواده‌های ایرانی هنجاریابی و میزان‌سازی شد و پایایی آن ۰/۸۴ برآورد گردید. این پرسشنامه دربرگیرنده ۴۰ پرسش و در دو بخش تقسیم می‌شود. بخش نخست (پرسش‌های ۱ تا ۲۰) میزان بخشودگی را در خانواده‌های اصلی (والدین) و بخش دوم (پرسش‌های ۲۱ تا ۴۰) میزان بخشودگی

را در خانواده‌های هسته‌ای (همسران) می‌سنجد. این سنجه دربرگیرنده پنج خرده سنجه است: درک واقع‌بینانه، تصدیق خطا، جبران عمل ارتكابی، دلجویی کردن، احساس بهبودی یا سبک‌بالی. هر خرده سنجه دربرگیرنده ۸ پرسش است و پاسخ آزمودنی به هر یک از ماده سؤالات در یک طیف ۴ درجه‌ای است. برخی از سؤالات به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند. امتیازات به دست آمده از ۴۰ پرسش باهم جمع که بیشینه امتیاز ۱۶۰ و کمینه ۴۰ است. نمرات بالا نشان‌دهنده میزان بخشودگی بیشتر و نمرات پایین نشان‌دهنده بخشودگی کمتر است.

پرسشنامه سنجش نگرش معنوی و توانایی معنوی (SAAQ). این پرسشنامه به دست شهیدی و فرج نیا (۱۳۹۱) به منظور سنجش تراز معنویت و رشد معنویت تهیه شده است. روایی صوری و محتوایی سؤالات از راه نظرخواهی ۱۹ نفر از استادان متخصص موردبررسی قرار گرفت و پایایی آن نیز از راه اجرا بر روی ۴۰ نفر از دانشجویان به روش باز آزمایی و به فاصله زمانی ۵ هفته، ۰/۶۱ برآورد شد. همچنین همسانی درونی پرسشنامه از راه برآورد آلفای کرون باخ، ۰/۹۱ گزارش شد. این پرسشنامه دربرگیرنده ۴۳ پرسش ۵ گزینه ایی از نوع لیکرت است که دو عامل: ۱- نگرش معنوی دربرگیرنده سؤالات (۲۱، ۷، ۹، ۳، ۱۹، ۳۱، ۳۴، ۳۲، ۴۲، ۳۶، ۱۷، ۲۸، ۲۲، ۶، ۴۳، ۳۷، ۱۶، ۱۳، ۳۰، ۱۵، ۱، ۱۰، ۵، ۲۵) ۲- توانایی معنوی دربرگیرنده سؤالات (۴۱، ۱۸، ۳۹، ۳۶، ۳۸، ۲۳، ۲۴، ۳۵، ۱۴، ۲۷، ۸، ۲۹، ۱۲، ۲، ۱۱، ۴۰، ۲۰، ۴، ۳۳) را می‌سنجد. برخی سؤالات به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند و امتیازاتی که فرد از مجموعه نمرات نگرش معنوی و توانایی معنوی به دست می‌آورد دست کم ۰ و دست بالا ۱۷۲ است.

یافته‌ها

در این پژوهش، متناسب با متغیرهای مورد مطالعه و نوع داده‌های جمع‌آوری شده، به منظور توصیف آنان از شاخص‌های گرایش مرکزی، پراکندگی و توزیع نمره‌ها استفاده شد. در مرحله تحلیل آماری، با توجه به ماهیت سنجه اندازه‌گیری که از نوع فاصله‌ای است و فرضیه‌های پژوهش برای

تحلیل داده‌ها به فراخور مورد از روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

جدول ۱. خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های کل شرکت‌کنندگان و به تفکیک جنسیت در متغیرهای تاب‌آوری خانواده، بخشایش و معنویت (N=۱۹۱)

گروه‌ها	متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار
کل نمونه	تاب‌آوری	۲/۷۰	۲/۷۵	۰/۲۲۰
	بخشایش	۲/۶۰	۲/۶۰	۰/۲۰۹
	معنویت	۴/۰۳	۴/۰۲	۰/۴۴۱
زنان (n=۶۴)	تاب‌آوری	۲/۷۷	۲/۸۰	۰/۱۷۹
	معنویت	۲/۶۳	۲/۶۵	۰/۲۶۶
	بخشایش	۴/۰۰	۴/۰۴	۰/۵۱۴
مردان (n=۱۲۷)	تاب‌آوری	۲/۶۷	۲/۷۵	۰/۲۳۳
	معنویت	۲/۵۹	۲/۶۰	۰/۱۷۲
	بخشایش	۴/۰۴	۴/۰۲	۰/۴۰۰

جدول ۲. خلاصه برآمدهای آزمون ضریب همبستگی پیرسون میان متغیرها (n=197)

متغیرها	تاب‌آوری خانواده (کل) (N=۱۹۷)	تاب‌آوری خانواده (زن) (n=۶۴)	تاب‌آوری خانواده (مرد) (n=۱۲۷)
	r	R	r
بخشایش	۰/۳۰۷**	۰/۳۴۶**	۰/۲۹۰**
معنویت	۰/۰۷۱	۰/۲۲۸	۰/۰۱۲

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

فرضیه اصلی: تاب‌آوری خانواده بر اساس بخشایش و معنویت در آموزگاران متأهل قابل پیش‌بینی است.

جدول ۳. خلاصه ضرایب رگرسیون

بیش‌بینی‌کننده‌ها	B	β	t	Sig	تلورانس	VIF
عدد ثابت	۱/۸۳۷	-	۸/۳۳۵**	۰/۰۰۱	-	-
بخشایش	۰/۳۲۱	۰/۳۰۴	۴/۳۰۷**	۰/۰۰۱	۰/۹۷۰	۱/۰۳۱
معنویت	۰/۰۰۹	۰/۰۱۸	۰/۲۵۷	۰/۷۹۷	۰/۹۷۰	۱/۰۳۱

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

$R=۰/۳۰۷$ ؛ $R^2=۰/۰۹۴$ ؛ تعدیل شده؛ $R^2=۰/۰۸۵$ ؛ $F=۹/۸۰۰$

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، اندازه R^2 به‌دست‌آمده (۰/۰۹۴) بدین معنی است که ۹/۴ درصد از واریانس متغیر تاب‌آوری خانواده توسط ۲ متغیر بخشایش و معنویت تبیین می‌شود. به‌عبارت‌دیگر ۹/۴ درصد از پراکندگی مشاهده‌شده در متغیر تاب‌آوری خانواده توسط این متغیرها توجیه می‌شود. اندازه R مشاهده‌شده (۰/۳۰۷) نیز نشان‌دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. افزون بر این، نسبت F محاسبه‌شده (۹/۸۰۰) در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد معنی‌دار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که میان متغیرهای مورد مطالعه و متغیر تاب‌آوری خانواده همبستگی معنی‌دار وجود دارد. برآیند اینکه، شواهد برای پذیرش فرضیه اصلی کافی است. با مراجعه به آماره t و سطوح معنی‌داری می‌توان قضاوت کرد که تنها متغیر بخشایش با متغیر تاب‌آوری خانواده همبستگی معنی‌دار دارد. علامت ضرایب بتای به‌دست‌آمده نشان داد که متغیر بخشایش با متغیر تاب‌آوری خانواده همبستگی مثبت و معنی‌دار دارد. درنهایت، با توجه به این توضیحات و ضریب به‌دست‌آمده می‌توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استانداردشده به‌صورت زیر تدوین کرد: (بخشایش) $0/304 = Y$ (تاب‌آوری خانواده)

فرضیه فرعی نخست: تاب‌آوری خانواده بر اساس بخشایش و معنویت در آموزگاران متأهل زن قابل پیش‌بینی است.

جدول ۴. خلاصه ضرایب رگرسیون

VIF	تلورانس	Sig	t	β	B	بیش‌بینی‌کننده‌ها
-	-	۰/۰۰۱	۸/۲۱۳**	-	۱/۹۹۹	عدد ثابت
۱/۰۵۲	۰/۹۵۱	۰/۰۱۳	۲/۵۶۰*	۰/۳۱۱	۰/۲۰۹	بخشایش
۱/۰۵۲	۰/۹۵۱	۰/۱۹۴	۱/۳۱۳	۱/۶۰	۰/۰۵۶	معنویت

* $P < 0/05$ ** $P < 0/01$

$R = 0/380$ ؛ $R^2 = 0/144$ ؛ $F = 5/137$ ؛ R^2 تعدیل‌شده؛ $R^2 = 0/116$ ؛ $F = 5/137$

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، اندازه R^2 به‌دست‌آمده (۰/۱۴۴) بدین معنی است که ۱۴/۴ درصد از واریانس متغیر تاب‌آوری خانواده در آموزگاران زن متأهل توسط ۲ متغیر بخشایش و معنویت تبیین می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، ۱۴/۴ درصد از پراکندگی مشاهده‌شده در متغیر

تاب‌آوری خانواده در آموزگاران زن متأهل توسط این متغیرها توجیه می‌شود. اندازه R مشاهده شده (۰/۳۸۰) نیز نشان‌دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. افزون بر این، نسبت F محاسبه شده (۵/۱۳۷) در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد معنی‌دار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که میان متغیرهای مورد مطالعه و متغیر تاب‌آوری خانواده در آموزگاران زن متأهل همبستگی معنی‌دار وجود دارد. برآیند اینکه، شواهد برای پذیرش فرضیه فرعی نخست کافی است. با مراجعه به آماره t و سطوح معنی‌داری می‌توان قضاوت کرد که تنها متغیر بخشایش با متغیر تاب‌آوری خانواده در آموزگاران زن متأهل همبستگی معنی‌دار دارد. علامت ضرایب بتای به‌دست آمده نشان داد که متغیر بخشایش با متغیر تاب‌آوری خانواده همبستگی مثبت و معنی‌دار دارد. درنهایت، با توجه به این توضیحات و ضریب به‌دست آمده می‌توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده به صورت زیر تدوین کرد: (بخشایش) $۰/۳۱۱ = Y$ (تاب‌آوری خانواده آموزگاران زن متأهل)

فرضیه فرعی دوم: تاب‌آوری خانواده بر اساس بخشایش و معنویت در آموزگاران متأهل مرد قابل پیش‌بینی است.

جدول ۵. خلاصه ضرایب رگرسیون

VIF	تلورانس	Sig	t	β	B	پیش‌بینی‌کننده‌ها
-	-	۰/۰۰۱	۴/۹۸۰**	-	۱/۷۱۲	عدد ثابت
۰/۱۰۲	۰/۹۸۱	۰/۰۰۱	۳/۳۹۴**	۰/۲۹۴	۴۰۰	بخشایش
۱/۰۲۰	۰/۹۸۱	۰/۷۴۰	-۰/۳۳۲	-۰/۰۲۹	-۰/۰۱۷	معنویت

* $P < ۰/۰۵$ ** $P < ۰/۰۱$

$$R = ۰/۲۹۲; R^2 = ۰/۰۸۵; \text{تعدیل شده}; R^2 = ۰/۰۷۰; F = ۵/۷۷۰$$

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، اندازه R^2 به‌دست آمده (۰/۰۸۵) بدین معنی است که ۸/۵ درصد از واریانس متغیر تاب‌آوری خانواده در آموزگاران مرد متأهل توسط ۲ متغیر بخشایش و معنویت تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، ۸/۵ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر تاب‌آوری خانواده در آموزگاران مرد متأهل توسط این متغیرها توجیه می‌شود. اندازه R مشاهده شده (۰/۲۹۲) نیز نشان‌دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می‌تواند برای

پیش‌بینی استفاده شود. افزون بر این، نسبت F محاسبه شده (۵/۷۷۰) در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد معنی‌دار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که میان متغیرهای مورد مطالعه و متغیر تاب‌آوری خانواده در آموزگاران مرد متأهل همبستگی معنی‌دار وجود دارد. برآیند اینکه، شواهد برای پذیرش فرضیه فرعی دوم کافی است. با مراجعه به آماره t و سطوح معنی‌داری می‌توان قضاوت کرد که تنها متغیر بخشایش با متغیر تاب‌آوری خانواده در آموزگاران مرد متأهل همبستگی معنی‌دار دارد. علامت ضرایب بتای به‌دست آمده نشان داد که متغیر بخشایش با متغیر تاب‌آوری خانواده همبستگی مثبت و معنی‌دار دارد. در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضریب به‌دست آمده می‌توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده به صورت زیر تدوین کرد: (بخشایش) $Y = ۰/۲۹۴$ (تاب‌آوری خانواده آموزگاران مرد متأهل).

بحث و نتیجه‌گیری

برآمدهای پژوهش نشان می‌دهد که میان بخشایش و معنویت با تاب‌آوری خانواده در آموزگاران متأهل (زن و مرد) همبستگی معنی‌دار وجود دارد. همچنین ضرایب بتای به‌دست آمده نشان داد که میان بخشایش با تاب‌آوری خانواده در آموزگاران متأهل (زن و مرد) همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. به‌طور کلی این یافته‌ها تا اندازه زیادی با نتایج سایر پژوهش‌های انجام گرفته که نشان دادند بخشایش و معنویت می‌توانند از عوامل کارآمد در سازگاری و بهزیستی فرد و خانواده‌ها باشند، همخوانی دارد. بخشش یک راهبرد رویارویی هیجان‌محور برای رویارویی با عوامل تنش‌زا و مدیریت هیجان مایه کاهش فشارهای روانی (توسینت و همکاران، ۲۰۱۴)، تعدیل و تنظیم ناتوانی (ویلمرینگ، ۱۹۹۹، به نقل استانتز، ۲۰۱۵)، راهکار رویارویی هیجان‌محور در کاهش واکنش تنش‌زا به رنجیدگی (ورتینگن و شرر، ۲۰۰۴)، حل دشواری‌های خانوادگی و زن‌شویی (دی بلاسیو، ۲۰۰۰)، شکستن الگوهای ناکارآمد خانواده (دی بلاسیو، ۱۹۹۸) و الگویی با راهبردهای بهتر برای سازگاری بیشتر با آسیب‌ها است (لاسکین، ۲۰۰۷، به نقل از تمرچی و یادگاری، ۱۳۹۴). میان بخشایش و تاب‌آوری (فارلی، ۲۰۱۱، به نقل از استانتز، ۲۰۱۵)، بخشش و رشد پس از سانحه با واسطه‌گری دین و معنویت (شولتز و همکاران، ۲۰۱۰)، بخشایشگری و معنویت با سازگاری

روانی و کیفیت بهتر زندگی رابطه مثبت وجود دارد (رومرو و همکاران، ۲۰۰۶). معنویت عاملی کارآمد در سازگاری و تاب‌آوری خانواده است (گریف و تیل، ۲۰۱۲، هاملین گلور، ۲۰۰۹، گریف و تویت، ۲۰۰۹، بلاک و لوبو، ۲۰۰۸، گریف و لوبسر، ۲۰۰۸، گریف و ژوبرت، ۲۰۰۷، صیدی و همکاران، ۱۳۹۰). تمرچی و همکاران (۱۳۹۴) میان دل‌بستگی به خدا و بخشایش با شیوه‌های رویارویی مسئله مدار در برابر تنیدگی همبستگی مثبت و معنی‌داری است. کمری و همکارانش (۱۳۹۳) بخشایش و معنویت در بالا رفتن کارایی خانواده نقش دارند. روان‌درمانی معنوی استوار بر بخشودگی مایه افزایش بخشودگی، رضایت زناشویی، درک عواطف و همبستگی دوباره زوجین، پردازش شناختی، بهبود روابط می‌شود (غفوری و همکاران، ۱۳۹۲).

با توجه به این نتایج، در تبیین نقش بخشایش در تاب‌آوری خانواده در این پژوهش می‌توان چنین بازگو کرد که بخشش با کاهش خشم، نشخوار فکری، ترس، اختلالات عصبی، اصلاح افکار، برگرداندن افکار منفی به افکار مثبت، افزایش همدلی و عزت‌نفس می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد رویارویی مثبت و شیوه کارآمد انگیزشی-ارادی در سازگاری با عوامل تهدیدکننده باشد و شرایطی فراهم سازد تا افراد و خانواده‌ها بهتر بتوانند مهارت‌های تاب‌آوری را یاد بگیرند. توانایی بخشش در افراد نتیجه اقرار و پذیرش کامل، پردازش هیجانی مطلوب و تغییر مثبت در اندیشه فرد در برابر پیشامد آسیب‌زا است، یعنی آن‌ها همواره به دنبال راهبردی بخردانه با کمترین آسیب برای حل دشواری‌های زندگی هستند. بخشش با افزایش مهارت شخصی، بازنگری ارزش‌ها و موقعیت، انسجام روانی، امید و ایجاد افکار و رفتارهای سازنده، شکستن الگوهای ناکارآمد خانواده، آزاد کردن نیروهای صرف شده زخم‌های عاطفی و روانی، پردازش شناختی و مدیریت درست هیجانات، ایجاد اتحاد دوباره، تعاملات مثبت خانوادگی و محیط گرم و صمیمانه همراه با تجربه و همدلی بیشتر، شیوه‌ای ناهمسان و کارآمدتری برای کنار آمدن با رخداد‌های دردناک به خانواده‌ها ارائه می‌دهد؛ بنابراین بخشش یک نوع تنظیم و تعدیل ناتوانی و تمرین انعطاف‌پذیری است که خانواده را در رویارویی مثبت با شرایط سخت، آماده و توانمند می‌سازد. همچنین در تبیین نقش معنویت در تاب‌آوری خانواده در این پژوهش می‌توان چنین بازگو کرد که معنویت با افزایش توان تحمل و

احساس مهار، مایه آرامش و دل آرامی فرد در رویارویی با پیشامدهای ناگوار است. فرد زمانی که به وجود نیروی والا و برتر از طبیعت باور دارد و اعمال و باورهایش متأثر از ارتباط با خداوند است، همواره اهدافی والا، اندیشه و عملکرد کارآمدتری در برابر موقعیت‌های بحرانی دارد. خانواده‌های دارای میزان معنویت بالا به دلیل برخورداری از یک منبع توان درونی و حمایت‌کننده، واکنش‌های مثبتی دارند، یعنی توکل و باور درونی به خدا به‌عنوان یک پشتیبان نیرومند، زمینه‌ای فراهم می‌کند که آن‌ها همواره تفسیری مثبت، احساس ایمنی و توان رویارویی بیشتری در برابر شرایط تنش‌زا داشته باشند.

معنویت از کارسازترین تکیه‌گاه‌های روانی است که با سازوکارهای ویژه خود همواره باورهای مثبت و کارآمدی را در میان اعضاء خانواده پرورش می‌دهد، این باورها می‌توانند به‌عنوان سپرهای دفاعی، افراد خانواده را در برابر تهدیدات محفوظ نگاه‌دارند. معنویت در پذیرش موقعیت‌های دشوار، ادراک مثبت رنج، معنایابی و هدف، یکپارچگی و تعادل، افزایش امید و انرژی و غلبه بر سردرگمی‌ها کارساز است. می‌توان چنین نتیجه گرفت که معنویت با ایجاد احساس آرامش و افزایش اعتماد به نفس به علت تکیه بر یک منبع توان درونی و بخشش با ایجاد الگویی با راهبردهای بهتر برای سازگاری و افزایش آمادگی روانی فرد جهت نگهداری تعادل در برابر آسیب‌ها و به‌صورت یک پاسخ انطباقی هیجان محور در کاهش تنیدگی، همواره نقشی کارآمد در افزایش میزان تاب‌آوری خانواده دارند. درنهایت بر اساس یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران بیش‌ازپیش به مهارت‌ها، ظرفیت‌ها و چگونه توانمند کردن خانواده‌ها به‌خصوص در رویارویی با شرایط سخت با تأکید بر نقش بنیادهای اعتقادی-دینی از جمله مهارت‌های بخشایشگری و معنویت، توجه کنند. روشن است عواملی مانند کم‌دقتی و خستگی آزمودنی‌ها، ممکن است مایه تحریفاتی در پاسخگویی به سؤالات به‌صورت خودآگاه و ناخودآگاه شده باشد، بنابراین به کار بردن ابزار پرسشنامه محدودیت عمده این پژوهش بود.

سپاسگزاری. پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از آموزگاران ارجمندی که ما را در انجام این پژوهش یاری کردند، سپاسگزاری و گرامیداشت نمایند.

منابع

پور رحیمی مرئی، مریم؛ و انتظاری، سمیرا. (۱۳۹۴). اثربخشی برنامه آموزش تاب‌آوری بر افزایش تاب‌آوری و بخشش زنان متأهل شهر تهران. همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی، استانبول، موسسه سفیران فرهنگی ممین،

<http://www.civilica.com/Paper-ICPCL01-ICPCL01-236.html>

تمرچی، فرزانه؛ و یادگاری، هاجر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین دل‌بستگی به خدا و بخشایش با شیوه‌های رویارویی با تنیدگی در نوجوانان پسر. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ایلیا، <http://www.civilica.com/Paper-HPSCONF01-HPSCONF01-284.html>

خدا یاری فرد، محمد؛ غباری بناب، باقر؛ فقیهی، علی‌نقی؛ و وحدت تربیتی، شادی. (۱۳۸۱). روش درمانی عفو با تأکید بر دیدگاه اسلامی: بررسی موردی. اندیشه و رفتار، سال ۸، شماره ۱، ص ۳۹-۴۸. خندان‌دل، سحر؛ و کاویان فر، حسین. (۱۳۹۴). نقش اعتماد در روابط میان فردی و تاب‌آوری خانواده در رضایت زناشویی همسرهای شاغل. فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، (۱)، ص ۳۱-۱۴.

سیف، سوسن؛ و بهاری، فرشاد. (۱۳۸۰). استانداردهای ساخت و هندجاریایی سنجش بخشودگی در خانواده برای خانواده‌های ایرانی. پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا.

شهیدی، شهریار؛ و فرج‌نیا، سعیده. (۱۳۹۱). ساخت و اعتبار یابی پرسش‌نامه سنجش نگرش معنوی. روان‌شناسی و دین، سال ۵، شماره ۳، ص ۹۷-۱۱۵.

صیدی، محمد سجاد. پور ابراهیم، تقی؛ باقریان، فاطمه؛ و منصور، لادن. (۱۳۹۰). رابطه بین معنویت خانواده با تاب‌آوری آن، با واسطه‌گری کیفیت ارتباط در خانواده. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، سال ۲، شماره ۵، ص ۶۳-۷۹.

غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا؛ و نوری مقدم، ثنا. (۱۳۸۶). هوش معنوی. اندیشه نوین دینی، سال ۳، شماره ۱۰، ص ۱۲۵-۱۴۷.

غفوری، سمانه؛ مشهدی، علی؛ و حسن‌آبادی، حسین. (۱۳۹۲). اثربخشی روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشودگی در افزایش رضایت‌مندی زناشویی و کاهش تعارضات زوجین شهر مشهد. اصول بهداشت روانی، (۱)، ص ۴۵-۵۷.

فاطمی، میر مسعود؛ زارع، محمد؛ خرازی افرا، فاطمه؛ و خرازی افرا، محمد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین رشد معنویت و چگونگی رویارویی با شرایط تنش‌زا در بین اینترن‌های رشته پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران. *مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی*، دوره ۲۴، شماره ۱، ص ۴۹-۵۳.

کمری، سامان، شهیدی، شهریار؛ و آهنگر کانی، محمد. (۱۳۹۳). نقش بخشایش و معنویت در پیش‌بینی سطح کارایی خانواده. *تحقیقات علوم رفتاری*. دوره ۱۲، شماره ۲.

کری، جرال. (۲۰۱۳). *نظریه و کاربرست مشاوره و روان‌درمانی*. ترجمه سیدمحمدی. (۱۳۹۳). چاپ سیزدهم، تهران، ارسباران.

هارتز، گری. (۲۰۰۵). *معنویت و سلامت روان*. ترجمه امیر کامکار و عیسی جعفری. (۱۳۸۷). چاپ اول، تهران، روان.

هاشمی، لادن؛ و جوکار، بهرام. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین تعالی معنوی و تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، دوره ۸، شماره ۱۳، ص ۱۲۳-۱۴۲.

Baker, D. C. (2003). Studies of the inner life: the impact of spirituality on quality of life. *Quality of Life Research*, 12, 51-57.

Batson, M. D., & Shwalb, D. W. (2006). Forgiveness and Religious Faith in Roman Catholic married Couples. *Pastoral Psychology*, 55(2), 119-129.

Black, K., & Lobo, M. (2008). A conceptual review of family resilience factors. *Journal of Family Nursing*, 14(1), 33-55.

Berry, J. W., Worthington, E. L., Jr., O'Connor, L. E., Parrott, L., & Wade, N. G. (2005). Forgiveness, vengeful rumination, and affective traits. *Journal of Personality*, 73(1), 183-225.

Conner, K. M., & Davidson, J. R. T. (2003). Development of a new resilience scale: The Conner-Davidson Resilience Scale (CD-RISK). *Depression and Anxiety*, 18(2), 76-82.

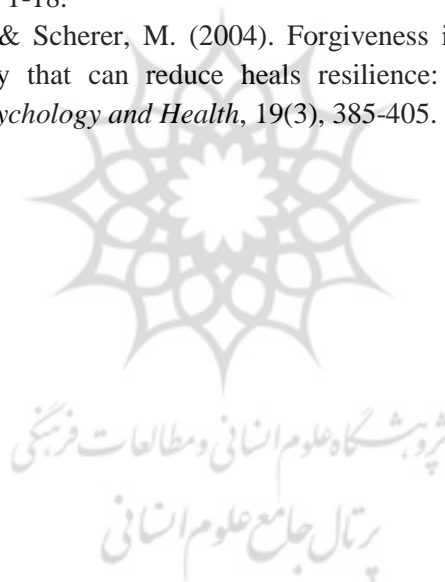
Cordova, M. j., Cunningham, L. L., Carlson, C. R., & Andrykowski, M. A. (2001). Posttraumatic growth following breast cancer: A controlled comparison study. *Health Psychology*, 20(3), 176-185.

Diblasio, F. A. (2000). Decision-based forgiveness treatment in cases of marital infidelity. *Psychotherapy: Theory, Research, Practice, and Training*, 37(2), 149-158.

Diblasio, F. A. (1998). The use of decision-based forgiveness intervention within intergenerational family therapy. *Journal of Family Therapy*, 20(1), 77-96.

- Diblasio, F. A., & Proctor, J. H. (1993). Therapists and the clinical use of forgiveness. *The American Journal of Family Therapy*, 21(2), 175-184.
- Fincham, F. D., Beach, S. R., & Davila, J. (2004). Forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of Family Psychology*, 18(1), 72-81.
- Greeff, A. P., & Thiel, C. (2012). Resilience in Families of Husbands With Prostate Cancer. *Journal of Educational Gerontology*, 38(3), 179-189.
- Greeff, A. P., & Toit, C. D. (2009). Resilience in Remarried Families. *The American Journal of Family Therapy*, 37(2), 114-126.
- Greeff, A. P., & Loubser, K. (2008). Spirituality as a Resiliency Quality in Xhosa-speaking Families in South Africa. *Journal of Religion and Health*, 47(3), 288-301.
- Greeff, A. P., & Joubert, A. M. (2007). Spirituality and resilience in families in which a parent has died. *Psychological Reports*, 100(3, Pt1), 897-900.
- Hamlin-Glover, D. L. (2009). *Spirituality, religion, and resilience among military families*. PhD Dissertation., The Florida State University, College of Human Sciences. USA.
- Hooper, L. M. (2007). Expanding the discussion regarding parentification and its varied outcomes: Implications for mental health research and practice. *Journal of Mental Health Counseling*, 29(2), 322-337.
- Krause, N. (1998). Stressors in highly valued roles, religious, coping, and mortality. *Psychology and Aging*, 13(2), 242-255.
- Luthar, S. S., Cicchetti, D., & Becker, B. (2000). The construct of resilience: A critical evaluation and guidelines for future work. *Child Development*, 71(3), 543-562.
- Mason, M., Singleton, A., & Webber, R. (2007). The spirituality of young Australians. *International Journal of Childrens Spirituality*, 12(2), 149-163.
- McCubbin, H. I., & McCubbin, M. A. (1988). Typologies of Resilient Families: Emerging Roles of Social Class and Ethnicity. *Family Relations*, 37(3), 247-254.
- McCullough, M. E., Fincham, F. D., & Tsang, J. (2003). Forgiveness, forbearance, and time: The temporal unfolding of transgression-related interpersonal motivation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 84, 540-557.
- Mueller, P. S., Plevak, D. G., & Rummans, T. A. (2001). Religious involvement, spirituality, and medicine: implications for clinical practice. *Mayo Clin Proc.*, 76(12), 1225-1235.
- Richardson, G. E. (2002). The metatheory of resilience and resiliency. *Journal of Clinical Psychology*, 58(3), 307-321.
- Romero, C., Friedman, L. C., Kalidas, M., Elledge, R., Chang, J., & Liscum, K. R. (2006). Self-Forgiveness, Spirituality, and Psychological Adjustment in Women with Breast Cancer. *Journal of Behavioral Medicine*, 29(1), 29-36.

- Schultz, J. M., Tallman, B. A., & Altmaier, E. M. (2010). Pathways to posttraumatic growth: The contributions of forgiveness and importance of religion and spirituality. *Psychology of Religion and Spirituality*, 2(2), 104-114.
- Stuntzner, S., & Dalton, J. (2015). Forgiveness and Disability: Reconsideration of forgiveness as a vital component of the rehabilitation counseling profession. *Journal of Applied Rehabilitation Counseling*, 46(3), 35-43.
- Toussaint, L. L., Vincent, A., Whipple, M. O., McAllister, S. J., Finnie, D. M., Hathaway, J.C., Oh, T. H., Fleming, K. C., & Vickers Douglas, K. S. (2014). Forgiveness education in fibromyalgia: A qualitative inquiry. *Pain Studies and Treatment*, 2(1), 11-16. DOI: 10.4236/pst.2014.21003.
- Witvliet, C. V. O., Ludwig, T. E., & Vander Laan, K. L. (2001). Granting forgiveness or harboring: implications for emotion, physiology, and health. *Psychological Science*, 12(2), 117-123.
- Walsh, F. (2003). Family resilience: A framework for clinical practice. *Family Process*, 42(1), 1-18.
- Worthington, E. L., & Scherer, M. (2004). Forgiveness is an emotion-focused coping strategy that can reduce heals resilience: Theory, review, and hypotheses. *Psychology and Health*, 19(3), 385-405.





ژړوېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی